تصویر قهرمانان بر پرده نقره‌ای

امروز با اکران «غریب» فیلم زندگی‌نامه‌ای ـ جنگی دیگری در سینمای ایران رونمایی می‌شود. واقعیت این‌که با وجود تولید آثار مکتوب فراوان درباره زندگی شهدای شاخص جنگ (که گاه به افراط و کتاب‌سازی هم کشیده شده) تعداد آثاری که در حوزه سینما ساخته شده است به تعداد انگشتان یک دست هم نیست. مروری می‌کنیم بر این چند فیلم که در دوره‌های مختلف جشنواره به نمایش درآمده است و امیدواریم اثر تازه لطیفی فتح‌بابی باشد برای ساخته شدن آثاری در این ژانر که نسل آینده را با فرماندهان و نیروهای تأثیرگذار در جنگ تحمیلی بیشتر آشنا کند.

«جام جم» ۴ دهه سینمای دفاع مقدس در جشنواره فیلم فجر را بررسی می‌کند

سینمای شرافت و مقاومت

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

امروز و در حالی که جشنواره چهل‌ویکم به روزهای پایانی برگزاری نزدیک می‌شود، با اکران فیلم «غریب» به کارگردانی محمدحسین لطیفی که به زندگی سردار شهید محمد بروجردی می‌پردازد، حال‌وهوای تازه‌ای بر سینمای رسانه مستولی می‌شود. به انگیزه اکران این فیلم، مروری کرده‌ایم بر آنچه بر سینمای دفاع‌مقدس در چهاردهه برگزاری جشنواره فیلم فجر گذشته است. سینمایی که در دهه ۶۰ هنوز به قوام و شکل لازم نرسیده بود اما از اواسط دهه ۷۰ و به‌خصوص دهه ۸۰ شاهد اوج‌گیری آن هستیم. مرور تاریخچه سینمای دفاع‌مقدس در جشنواره را براساس تقسیم‌بندی دهه‌ای انجام داده‌ایم تا راحت‌تر بتوان تغییرات هر دوره را مقایسه کرد. برای هر دهه، علاوه بر توضیحی درباره جریان‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر بر سینما، سه فیلم برگزیده دهه را کمی بیشتر توضیح داده‌ایم. جوایزی که هر دهه نصیب سینمای دفاع‌مقدس شده، برای قضاوت درباره نگاه حمایتی داوران در دوره‌های چهل‌گانه برگزاری جشنواره را مرور کرده‌ایم و در پایان فهرستی از همه آثار شرکت‌کننده دفاع‌مقدس در دوره‌های مختلف را آورده‌ایم تا بتوان از نظر کمیت تولیدات در این ژانر هم به تصویری روشن از عملکرد چهار دهه‌ای جشنواره رسید.

فرمانده‌ای از خراسان

جواد اردکانی، کارگردان مشهدی سینما و تلویزیون در بیست‌وهشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، فیلمی را به جشنواره آورد که براساس بخشی از زندگی یک فرمانده همشهری خودش ساخته شده بود.

«شور شیرین» تولید سال ۱۳۸۸ را خود اردکانی نوشته بود و در این فیلم، حمیدرضا عمارلو، رضا رویگری، جواد عزتی، احمد نجفی و شبنم قلی‌خانی بازی می‌کردند.

حمیدرضا عمارلو که برای بازی در نقش شهید محمود کاوه انتخاب شده بود، از فعالان حوزه تئاتر و سینمای خراسان است که علاوه بر بازیگری، تجربه منشی صحنه، فیلمنامه‌نویسی و دستیاری کارگردان را هم دارد. او که تحصیلاتش را تا مقطع دکتری طراحی صنعتی ادامه داده و عضو هیات علمی دانشگاه است، به‌دلیل شباهتی که به شهید کاوه داشته، برای این نقش انتخاب شد. اما محمود کاوه کیست؟ کاوه هنگامی که به‌عنوان فرمانده لشکر ویژه شهدا به شهادت رسید، تنها ۲۵ سال داشت. جوانی که نه‌فقط آوازه‌اش در تمام مناطق عملیاتی کردستان پیچیده بود، در صفوف دشمن هم فردی شناخته‌شده بود و به خون این جوان لاغراندام مشهدی تشنه بودند، چرا که چند بار از جمله در عملیات آزادسازی سد بوکان، عملیات آزادسازی جاده‌های شاهین‌دژ به تکاب و پیرانشهر به سردشت، در فتح ارتفاعات مهم مرزی منطقه «آلواتان»، عملیات آزادسازی زندان «دوله‌تو» و عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، خیبر و کربلای ۲ از او ضرب‌شست خورده بودند. کاوه که در جلسات تدریس آیت ا... خامنه‌ای در مسجد امام حسن(ع) مشهد یک پای ثابت بود، با اعتقاد راسخ به اسلام و بروز توانایی‌های عملیاتی و نظامی، به‌سرعت به یک چهره برجسته در تاریخ جنگ ایران و عراق تبدیل شد. او در ۱۱ شهریور ۱۳۶۵ در منطقه حاج‌عمران به شهادت رسید. فیلم شور شیرین به‌رغم تلاش تیم تولید آن، حق محمود کاوه را به‌طور کامل ادا نکرد، ضمن این‌که اکران بد این فیلم نیز به آن ضربه زد.

قدم‌های نخست

جشنواره فیلم فجر زمانی که هنوز جنگ تازه وارد مرحله بازپس‌گیری مناطق اشغالی کشور شده بود، آغاز به کار کرد. طبیعی بود که در این سال‌ها هنوز امکانات و توانایی لازم برای ساخت فیلم جنگی زیاد نبود و سینمای ایران در سال‌های اول راه‌اندازی جشنواره هنوز در تب‌وتاب ساخت فیلم‌هایی با موضوع انقلاب، نکوهش نظام ارباب و رعیتی، افشاگری از ستم خان‌های خونخوار محلی یا تولید فیلم‌های ضدساواکی به سر می‌برد. چند سالی وقت لازم بود که سینمای جنگی سر و شکل لازم را بگیرد اما تحت تأثیر جو و شرایط آن زمان که هیچ‌گونه روایتی از شکست نیروهای ایرانی را برنمی‌تافت، فیلم‌های جنگی اکشن که در آن پیروزی به هر شکل ممکن نصیب نیروهای ایران بود، به فیلم‌های غالب آن زمان بدل شد.

فیلم‌های مهم

عقاب‌ها

این فیلم که سال ۱۳۶۳ اکران شد، ماجرای مأموریت یک هواپیمای ارتش ایران است که در حین عملیات سقوط می‌کند. دشمن به دنبال به‌اسارت‌گرفتن خلبان است اما او به کمک یک تکاور نجات می‌یابد. آنان پس از تعقیب‌وگریزهایی فراوان از چنگال دشمن نجات می‌یابند اما در آخرین لحظات، تکاور به شهادت می‌رسد. «عقاب‌ها» که حاصل تجربه طولانی کارگردانی توانمند چون ساموئل خاچیکیان است، مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و چندین سال روی اکران بود و در همین سال‌ها بارها از تلویزیون پخش شد. خاچیکیان در این فیلم که درمجموع سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹، به فروشی معادل ۷۳ میلیون و ۸۶۲ هزار تومان دست یافت، بیش از ۸٫۶ میلیون تماشاگر را به سینماها کشاند و به پرمخاطب‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران تبدیل شد. این فیلم که براساس داستانی واقعی ساخته شده است، نقطه اوج سینمای جنگی اکشن در سال‌های نخست دهه ۶۰ محسوب می‌شود که با بازی سعید راد، جمشید هاشم‌پور، زری برومند و رضا رویگری محبوب‌ترین فیلم ژانر سینمای جنگی است.

بلمی به سوی ساحل

سینمای ایران تا پیش از این فیلم نتوانسته بود به شکلی آبرومند، دین خود را به خرمشهر ادا کند. رسول ملاقلی‌پور که پیش از این فیلم، «نینوا» را ساخته بود، با گروهی از بازیگران جوان چون خسرو ضیایی، عطاءا... سلمانیان، بهزاد بهزادپور، جعفر دهقان و فرید کشن‌فلاح توانست این کار مهم را عملی کند. او که خود از نزدیک در نبردهای خرمشهر و روزهای سقوط این شهر حضور داشت توانست فضایی ملموس و باورپذیر را از روزهای سخت درگیری در خرمشهر و در زمانی که مدافعان ایران، با کمترین امکانات دربرابر دشمن مقاومت می‌کردند، در برابر دوربین بیافریند و فیلم که ماجرای نفوذ یک گردان از پاسداران به‌وسیله یک بلم به دل نیروهای دشمن را بیان می‌کند، مورد استقبال مخاطبان هم قرار گرفت. او سال بعد هم با فیلم خوب دیگری به نام «پرواز در شب» در جشنواره حاضر بود و توانست از نخستین کارگردان‌هایی باشد که جزو رویش‌های دفاع مقدس محسوب می‌شوند.

باشو غریبه کوچک

بهرام بیضایی در این فیلم به یکی از تبعات مهم جنگ یعنی مسأله مهاجران جنگ پرداخته است. پیش از این فیلم، کمتر فیلم موفقی توانسته بود اثرات فرهنگی و زیستی جنگ را در زندگی مردم ایران بررسی کند. یک نوجوان خوزستانی به نام باشو به دنبال بمباران هوایی دشمن و شهادت پدر و مادرش به درون کامیونی می‌پرد و سر از شمال کشور در می‌آورد. او به زنی شمالی پناه می‌آورد و با وجود تفاوت‌های فرهنگی میان آنان، عشق مادری و همبستگی سرزمینی به داد آنها می‌رسد و باشو در خانه جدیدش سرانجام پذیرفته می‌شود. این فیلم، توانست در تغییر برخی دیدگاه‌های نادرست نسبت به آوارگان جنگ درآن دوران مؤثر باشد.

مهاجر

ابراهیم حاتمی‌کیا که قبل از مهاجر، یکی دو فیلم از جمله فیلم موفق «دیده‌بان» را ساخته بود، با ساختن «مهاجر» نام خود را به‌عنوان یک فیلمساز متفاوت و موفق مطرح کرد و این آغاز راهی برای او بود تا به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین و جدی‌ترین کارگردانان سینمای دفاع‌مقدس، این مسیر را ادامه دهد. مهاجر در زمانی که سینمای دفاع‌مقدس، وجه اکشن غلیظی پیدا کرده بود، نگاه عرفانی و خاص رزمندگان اسلام را به شکلی دلپذیر در قالب سینما جاری کرد. فیلمی که نه مانند بسیاری از فیلم‌های معناگرای سینمای ایران که در دهه بعد، به سکه رایج تبدیل شد؛ عرفانی کنده از زمین را ترویج می‌کرد و نه صرفا کشتن و پیش‌رفتن. مهاجر، آغازی راهی تازه در سینمای جنگ بود که می‌توان با اطمینان خاطر نامش را سینمای دفاع‌مقدس گذاشت. جا دارد یادی هم بکنیم از سیدابراهیم اصغرزاده که با بازی در این فیلم جاودانه شد و خیلی زود از دست رفت.

جوایز

دومین دوره جشنواره فیلم فجر: «دیار عاشقان»، بهترین بازیگر: پرویز پرستویی/ سومین دوره: «زندان دوله‌تو»، بهترین موسیقی متن: کامبیز روشن‌روان/ چهارمین دوره: «بهار»، بازیگر نوجوان: مهدی اسدی/ دوره پنجم: «پرواز در شب»: بهترین فیلم/ دوره ششم: «کانی‌مانگا»، بهترین تدوین و بهترین جلوه‌های ویژه/ دوره هفتم: «دیده‌بان»: جایزه ویژه هیأت‌داوران برای بهترین کارگردانی: ابراهیم حاتمی‌کیا/ دوره هشتم: «مهاجر»، دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه، سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه، بهترین صداگذاری و بهترین موسیقی متن/ «آخرین پرواز»: سیمرغ بلورین بهترین فیلم و بهترین طراحی صحنه.

در دهه شصت ۴۶ فیلم با موضوع هشت سال دفاع مقدس در سینمای ایران ساخته شد.

روایت پس از جنگ

فیلمسازان دفاع مقدسی در حالی پا به دهه ۷۰ گذاشتند که تازه اندک‌اندک اثرات جنگ و نیز تأثیرات پایان آن در کشور در حال مشاهده بود. از یک سو تلفات انسانی، روحی و مادی جنگ و از دیگر سو، احساس دور مقدس باعث شد واکنش افراد جامعه و به‌تبع آنان هنرمندان به رویدادهای زمانه، متفاوت و متنوع باشد. در این دوران دیگر کم‌کم شاهدیم که سینمای دفاع مقدس فقط در فیلم‌های جنگی و میدان‌های آتش و خو فیلمسازان دوربین‌شان را به متن اجتماع می‌آورند تا در این موقعیت تازه زندگی مردان جنگ را دنبال کنیم.

فیلم‌های مهم

از کرخه تا راین

ابراهیم حاتمی‌کیا در آغاز دهه ۷۰ با یک فیلم تأثیرگذار، سینمای دفاع مقدس را وارد مرحله بعد از جنگ کرد. او به کارگردان‌ها یاد داد دیگر باید دوربین‌شان را از خط مقدم و صحنه‌های درگیری مستقیم با دشمن خارج کنند و به دنبال بسیجی‌ها هرکدام زیر مشکلات ناشی از جنگی طولانی درحال خردشدن هستند و در این میان، جامعه نیز با فاصله گرفتن از دوران دفاع مقدس، ارزش‌های تازه‌ای را برمی‌گزینند. حاتمی‌کیا، این بسیجی‌ها را نه در شهرهای دور و نزدیک که هزاران کیلومتر دنبال کرد. او داستان سعید را انتخاب می‌کند؛ رزمنده جانبازی که نخست برای معالجه چشمانش عازم آلمان و در این سفر با خواهرش و خانواده او در شهر کلن آشنا می‌شود و در همین سفر می‌فهمد به‌دلیل عوارض شدید بمباران شیمیایی دش شهادت است؛ کسی که سعید زیست و سعید مرد و زندگی و مرگش بر اطرافیانش تأثیرگذار بود. این فیلم با بازی هما روستا، علی دهکردی، هانس نویمان، صادق صفایی و اصغر نقی‌زاده از مهم‌ترین نوستالژی‌های سینمای دفاع مقدس است به موسیقی خاص و ماندگاری که مجید انتظامی برای فیلم ساخت. برای این‌که تعجب کنید یادآوری می‌کنم در جشنواره سیمرغ بلورین بهترین موسیقی را به جای این فیلم به «سایه‌های هجوم» دادند.

سفر به چزابه

این فیلم روایت رسول ملاقلی‌پور از بعد جنگ و جست‌وجوی خاطرات آن زمان در سرزمینی بود که امروز یک بیابان سوت و کور است. ملاقلی‌پور برای این‌که این فاصله را بشکند در واقعیت دست می‌برد. وحید کارگردان یک فیلم جنگی از آهنگ‌سازی به نام علی می‌خواهد برای فیلمش آهنگی بسازد. علی برای احساس واقعی فیلم به محل فیلمبرداری می‌رود اما ناگهان هر دو خود را در سنگرهای واقعی زمان جنگ می‌یابند. این تغییر باعث دگرگونی هر دوی آنها می‌شود اما سرانجام به‌واقعیت موجود برمی‌گردند. ملاقلی‌پور با این فیلم خط آثار بعدی خود را هم پیدا کرد و این اثر هم در زمان خود، خط و جهتی را به سینماگران دفاع مقدس نشان داد که در برزخ میان امروز و دیروز مانده بودند.

آژانس شیشه‌ای

همچنان که گفتیم، دغدغه دنبال کردن رزمندگان در زندگی بعد از جنگ یکی از مسائلی است که در سینمای دفاع مقدس بعد از جنگ مورد توجه قرار گرفت و آژانس شیشه‌ای بدون شک مهم‌ترین فیلم در این زمینه است. فیلم با رو در رو گذاشتن رزمنده‌ای قدیمی و یک مأمور اطلاعاتی میان دو تفکر رایج در آن دوران را مقابل هم قرار می‌دهد. حاج کاظم و سلحشور، نمادی از رودررویی دو خط فکری در دورانی است که سازندگی نام گرفته بود. فیلم در زمانی پس از کش و قوس‌های زیاد موفق به دریافت پروانه ساخت شد که دولت اصلاحات سر کار آمده بود و به همین دلیل همدلی کارگردان با حاج‌کاظم و حاج‌کاظم‌ها در نمایش عمومی آن بیشتر به چشم آمد.

لیلی با من است

کسی فکر نمی‌کرد که می‌شود با سینمای دفاع مقدس شوخی کرد. همه چیز در این فضا جدی بود و فیلمی کمدی ـ جنگی نداشتیم که بتواند در این فضا نوآوری کند. کمال تبریزی با این فیلم سد را شکست. فیلم در عین حال که به ارزش‌های دفاع مقدس احترام می‌گذاشت، خنده را بر لب مخاطب می‌نشاند، چراکه توانسته بود از موقعیت کمدی مردی که در خط مقدم قرار گرفته اما از همه چیز جنگ می‌ترسد به‌خوبی بهره ببرد. فیلم در بین مخاطبان محبوب شد و هنوز هم به‌تنهایی در صدر فیلم‌های کمدی ـ جنگی ایرانی ایستاده است.

جوایز

دوره یازدهم: «از کرخه تا راین» دیپلم افتخار بهترین موسیقی متن مجید انتظامی و بازیگر نقش دوم مرد صادق صفایی، سیمرغ بلورین بهترین فیلم و بهترین چهره‌پردازی، «سایه‌های هجوم» دیپلم افتخار بهترین فیلمبرداری، سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول و بهترین موسیقی متن کیوان جهانشاهی، «بر بال فرشتگان» سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول، بهترین جلوه‌های ویژه وبهترین صداگذاری/ دوره دوازدهم: «جنگ نفتکش‌ها» سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، «سجاده آتش» سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول و بهترین جلوه‌های ویژه، «حماسه مجنون» جایزه ویژه هیات داوران، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد جعفر دهقان و بهترین صداگذاری / دوره سیزدهم: «حمله به اچ۳» دیپلم افتخار بهترین فیلم و سیمرغ بلورین بهترین تدوین، «سجاده آتش» بهترین نمونه فیلم (آنونس)، «کیمیا» دیپلم افتخار بهترین کارگردانی احمدرضا درویش و سیمرغ بلورین بهترین صدابرداری / دوره چهاردهم: «دایره سرخ» دیپلم افتخار بهترین فیلم و سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه، «دکل» سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول، «سفر به چزابه»

سیمرغ بلورین بهترین تدوین، «آخرین مرحله» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد (حسین یاری)، «لیلی با من است» سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد (پرویز پرستویی) / دوره پانزدهم: «سرزمین خورشید» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن (گلچهره سجادیه)، بهترین جلوه‌های ویژه و بهترین صدابرداری، «ماه و خورشید» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد (امین تارخ)، «مردی شبیه باران» دیپلم افتخار بهترین فیلم اول و بهترین موسیقی متن، «براده‌های خورشید» سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم وبهترین صداگذاری/ دوره شانزدهم: «آژانس شیشه‌ای» دیپلم افتخار نقش دوم مرد (حبیب رضایی)، سیمرغ‌های بلورین بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه و بهترین موسیقی متن (مجید انتظامی)، نقش دوم زن (بیتا بادران)، نقش اول مرد (پرویز پرستویی)، نقش دوم مرد (رضا کیانیان) و بهترین تدوین/ دوره هفدهم: «هیوا» تقدیر هیات داوران برای بهترین تدوین، دیپلم افتخار بازیگر نقش اول مرد(جمشید هاشم‌پور)، سیمرغ بلورین بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین صدابرداری، بهترین فیلمبرداری، بهترین طراحی صحنه، «روبان قرمز» سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، بازیگر نقش اول زن) آزیتا حاجیان) و بهترین تدوین، «پرواز خاموش» سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه.

در دهه هفتاد ۴۱ فیلم با موضوع هشت سال دفاع مقدس در سینمای ایران ساخته شد.